

از خانواده درمانی چه می دانید

بخش اجتماعی – یکی از مهمترین و کوچکترین نهادهای هر جامعه‌ای خانواده است. هر انسانی به هنگام تولد در خانواده ای به دنیا می آید و به هنگام مرگ نیز از خانواده خود جدا شده و می میرد. از این رو خانواده شالوده حیات اجتماعی به حساب می آید. از آنجایی که اعضا و تعامل میان آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است، بروز تعارض و مشکل در این تعامل ها باعث آسیب رساندن به سلامت خانواده و جامعه به عنوان یک سیستم می شود. از این رو خانواده درمانی یک نیاز مبرم برای رفع این مشکل موجود است.

خانواده درمانی چیست؟

خانواده درمانی واژه ای است که ممکن است به شکل های زوج و خانواده درمانی، ازدواج و خانواده درمانی و مشاوره خانواده دیده شود. این شاخه از علم روانشناسی، شاخه ای از روان درمانی است که با کار بر روی زوج ها و خانواده متمرکز بر تغییر و اصلاح روابط معیوب و ایجاد روابط سالم و صمیمی مانده است. همچنین در تلاش است تا تغییر در اعضای خانواده را از طریق تغییر در سیستم های تعاملی میان آنها به وجود آورد. همچنین روابط خانوادگی را به عنوان عاملی مهم و تأثیر گذار در سلامت روان قلمداد می کند. هر عضوی از خانواده به منزله واحدی از خانواده در جهت حفظ تعادل یا دیگران ارتباط برقرار می کنند. از این رو خواده درمانی به چگونگی آشکار ساختن الگوهای پنهان در خانواده ، حفظ تعادل در کنار شناخت اهداف و الگوها کمک می کند. خانواده درمانگران بر این باورند که نه تنها آن عضوی از خانواده که برچسب بیمار به او زده شده و مشکلات خانواده به او نسبت داده می شود؛ نیاز به درمان دارد، بلکه دیگر اعضای خانواده نیز در امر درمان باید مد نظر قرار بگیرند

خانواده درمانی، درمان چند نفر با هم

خانواده درمانی عبارت است از ارائه خدمت به خانواده ها به منظور بالابردن احساس وحدت، انس، آرامش و مودت از طریق اعمال فنون و رویکردهای مختلف در جهت رفع مشکلات و مسائل آنان. مشاوران خانواده پس از کسب تجربه روی تعداد زیادی از خانواده ها به این نتیجه رسیدند که خانواده درمانی یک روش نیست، بلکه یک بینش خاص در مورد مشکلات انسانی است. مشاور خانواده مشکلات هر فرد را در رابطه با خانواده اش مورد مطالعه قرار می دهد. او معتقد است که مشکلات فرد ناشی از روابط او با دیگران است و منظور از دیگران در نظر اول، خانواده وی است. بنابراین درمان فردی هم نوعی مداخله درمانی در خانواده است.

انواع نظریه‌های خانواده درمانی

رویکردهای نظری اصلی در حیطه خانواده درمانی عبارتند از: خانواده درمانی روان تحلیلی ، خانواده درمانی تجربیاتی ، خانواده درمانی شناختی-رفتاری ، خانواده درمانی ساختنی ، خانواده درمانی استراتژیک و خانواده درمانی متمرکز بر راه حل.

خانواده درمانی مبتنی بر روان تحلیلی

صاحبنظران اصلی آن ناتان اکرمن ، ویلیامسون ، لایمن واین و تئودور کبیز هستند که شیوه درمان آنها ریشه در نظریه فروید دارد. در این شیوه فرایندهای ناهشیار اعضای خانواده به یکدیگر مرتبط دانسته می‌شوند و اعتقاد بر این است که بایستی روی نیروهای ناهشیار که آسیب را بوجود آورده‌اند، کار کرد. نقش درمانگر یک معلم یا والد یا مفسر تجربه است. فنون درمانی عبارتند از: تحلیل رویا ، انتقال ، رویارویی ، تاریخچه زندگی ، تمرکز بر نقاط قوت.

خانواده درمانی تجربیاتی

نظریه پردازان عمده آن ویرجینیا سیتزر ، کارل ویته کر ، فرد دوهل و… هستند که معتقدند مشکلات خانواده از سرکوب احساسات ، خشکی و انعطاف‌ناپذیری ، فقدان آگاهی ، مرگ عاطفی و استفاده بیش از حد از مکانیزمهای دفاعی ریشه می‌گیرد. در این رویکرد خانواده درمانگر تلاش می‌کند اعطاف‌پذیری ، صمیمیت ، عزت نفس ، پتانسیل برای تجربه را در خانواده افزایش دهد و از فنون مجسمه سازی ، صحنه آرای خانوادگی ، شوخی ، مصاحبه با عروسکهای خانواده ، هنردرمانی خانواده ، بازی نقش ، بازسازی خانواده و … استفاده می‌شود.

خانواده درمانی‌های رفتاری و شناختی _ رفتاری

نظریه پردازان عمده آن ویلیام مسترز ، ویرجنیا جانسون ، جوزف ولیه ، بندورا و … هستند. این شیوه درمانی بر اساس نظریه‌های رفتاری و شناختی معتقد است، رفتار از طریق پیامدها ابقا یا حذف می‌شود. رفتارهای نامناسب را می‌توان اصلاح کرد. همینطور شناختهای غیر منطقی را می‌توان اصلاح کرده و در نتیجه در تعاملات و رفتارهای زوجی یا خانوادگی تغییر ایجاد کرد. درمانگر نقش یک معلم و متخصص تقویت‌کننده رفتارهای مناسب را بازی می‌کند. در این رویکرد از فنون درمانی تقویت منفی ، تعمیم ، خاموش سازی ، اقتصاد پتهای ، گریز ذهنی ، عبارات مقابله‌ای منطقی ، سرمشق دهی و … استفاده می‌شود.

خانواده درمانی ساختنی

سالوادور مینوچین ، مونتالوو ، فیشمن ، روزمن و … نظریه پردازان اصلی این شیوه از خانواده درمانی هستند که کارکرد خانواده را منتمن ساخت خانواده ، زیر منظومه‌ها و مرزها می‌دانند. درمانگران نقشه خانواده را بطور ذهنی ترسیم می‌کنند و در پیاده کردن ساخت مناسب خانواده تلاش می‌کنند و در واقع همچون کارگردان تئاتر عمل می‌کنند. فنون درمانی عبارتند از: بازسازی ، الحاق ، تشدید پیامها ، مرزسازی و …

خانواده‌های نیازمند خانواده‌درمانی

خانواده‌هایی که از فرایند خانواده درمانی بهره می‌برند، عبارتند از: خانواده‌های دارای عضو مبتدا یا بیمار روانی و همچنین خانواده‌های دارای عضو مبتلا به اختلالات جسمی که به نحوی روی کارکرد خانواده تاثیر گذاشته است، خانواده‌های طلاق گرفته ، ازدواج مجدد کرده ، فوت یکی از اعضا ، خانواده‌های دارای مشکلات اقتصادی ، فرهنگی و … . خانواده‌های دارای مشکل اغلب به صورت غیر مستقیم مثلا مشکلات تربیتی کودکان ، ناراحتی‌های روحی یکی از اعضا و یا تصمیم گیربها و کمک برای حل مشکلات سطحی‌تر به متخصصان مشاوره و روان شناسی مراجعه می‌کنند و در طول مشاوره‌های فردی نیاز به توجه به نقش خانواده در بروز مشکل شکل می‌گیرد و برحسب رویکرد درمانگر ، روند درمان تلاوم می‌یابد.

{گیلان زمین }

نارو خوردن از رفیق انگیزه ای برای قتل

قاتل: پولدار شده بود و باید حقم را می‌داد

بازپرس ویژه قتل عمد آزاد شدند و دامنه تحقیقات با راهنمایی های بازپرس میرزایی باز هم به گذشته ها و اختلافات کهنه احتمالی مقتول با دیگر افراد بازگشت.

در آثای همین بررسی های میدانی بود که سرخی از یک نزاع قدیمی مربوط به حدود ۱۰ سال قبل به دست آمد. به همین دلیل و به دستور سرهنگ کارآگاه «حمید رزمخواه» (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) گروه زنده ای از کارآگاهان به پیگیری این سرخ پرداختند. تحقیقات پای جوانی به نام



«کریم» را به این پرونده جنایی باز کرد اما اثری از این فرد نبود تا این که ردیابی های پلیسی نشان داد، کریم از مدتی قبل و به اتهام زورگیری یک دستگاه موتورسیکلت در زندان به سر می برد.

این گونه بود که جوان ۳۵ ساله از زندان احضار و بازجویی شد او که ابتدا همه چیز را به طور کلی انکار می کرد وقتی در برابر شواهد و دلایل مستند قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل جوان ۲۸ ساله اقرار کرد و گفت: آن روز به همراه «م» یکی از بستگانش سوار بر موتورسیکلت به انتهای پنجتن ۸۳ رفته اند و او با ضربات مرگبار کاردی بزرگ، «ب-ص» را به دلیل اختلافات کهنه و کینه ای عمیق به قتل رسانده است. در ادامه رسیدگی به این پرونده جنایی، ساعت ۸ صبح روز گذشته، متهمان مذکور توسط کارآگاهان اداره جنایی به زمین های کشاورزی انتهای پنجتن ۸۳ هدایت شدند تا در حضور بازپرس ویژه قتل عمد، صحنه جنایت را بازسازی کنند. در آغاز بازسازی صحنه قتل، ابتدا کارآگاه جمالی(افسر پرونده) به تشریح خلاصه ای از محتویات پرونده پرداخت و بخشی از اعترافات متهمان در مراحل بازجویی را ذکر کرد. سپس قاضی میرزایی با تفهیم مواد قانونی به متهمان، از آنان خواست مواظب

کلیان امروز

اظهارات خود باشند و حقیقت ماجرا را بیان کنند. در همین حال «کریم» (متهم ردیف اول) مقابل دوربین قوه قضاییه و کنار موتورسیکلت ایستاد و پس از معرفی کامل خود گفت: من و برادر مقتول از سال ها قبل دوست صمیمی بودیم و من پای «رفیق بازی» می ایستادم تا این که حدود ۱۰ سال قبل همین دوستم، با چند نفر درگیر شد من هم که غیرتی شده بودم به طرفداری از او برخاستم.دو روز بعد از آن ماجرا با اسلحه کلاش به محل طرف های مقابل رفتم و شلیک کردم.البته با آن که شیشه های مغازه شکست ولی کسی آسیب ندید. بعد از آن بود که من دستگیر و سال ها زندانی شدم. حدود ۱۰ سال بعد وقتی از زندان بیرون آمدم خیلی از اطرافیان و دوستانم مرا تحریک می کردند که تو سال های جوانی ات را برای «رفاقت» پشت میله های زندان گذرانده ای و حالا همین دوستانت پولدار شده اند! من هم بر اثر همین تحریک های دیگران، به برادر آن دوستم گفتم که به برادرش بگوید باید سهم مرا از این ثروت بپردازد!چرا که من سال ها در زندان بودم و شما با کار کردن به ثروت رسیدید! ولی او تحویل نمی گرفت و پاسخی نمی داد! این درحالی بود که هنوز دیگران مرا تحریک می کردند که چرا خودت حقت را نمی گیری!؟

متهم این پرونده جنایی درحالی که گریه می کرد، ادامه داد: شب قبل از وقوع قتل، دوباره برادر دوستم را دیدم و به او تاکید کردم که حرف های مرا به برادرش بگوید! در همین افکار غوطه ور بودم تا این که شب حادثه برای مصرف شیشه به منزل یکی از دوستانم رفتم باز هم این موضوع مطرح شد که من جوانی ام را برای «رفیق بازی» تباه کردم و اکنون باید حقم را بگیرم! چون دوستم پولدار شده است! آن شب به همان دوستم زندگ زدم و با او برای دیدار یکدیگر قرار گذاشتیم. می خواستم به او تکانی

بدهم! بعد مقداری «شیشه» برای یکی از بستگانم خریدم و به منطقه گلشهر رفتم وقتی مواد مخدر را تحویل دادم «م» پسر یکی از بستگانم نیز با من آمد اما او نمی دانست که من کجا می روم! وقتی با هم سوار موتورسیکلت شدیم و به انتهای پنجتن ۸۳ رسیدیم ناگهان با «ب-ص» برخورد کردم. از موتورسیکلت پیاده شدم و به او گفتم حرف هایم را به برادرت گفتی؟ او پاسخ سربالا داد. من هم که بسیار خشمگین بودم می خواستم ضربه ای با کارد به صورتش بزنم که او گردش را خم کرد و تیغه کارد بزرگ گردش را برید بعد از آن هم ضربات متعدد دیگری به او زدم و سوار بر موتورسیکلت به همراه «م» از محل گریختم. آن شب را در منزل یکی از دوستانم سپری کردم و روز بعد هم به منزل یکی از بستگانم در گلشهر رفتم انگار که حادثه ای رخ نداده است! ولی چند روز بعد به دلیل زورگیری موتورسیکلت دوباره دستگیر و روانه زندان شدم!

در پی اعترافات صریح متهم به قتلی که دارای چندین سابقه کیفری است، «م» نیز به تشریح ماجرای آن شب هولناک پرداخت و سپس بازپرس کاظم میرزایی، با صدور قرار قانونی برای متهمان پرونده، دستور پایان بازسازی صحنه قتل را صادر کرد تا این پرونده جنایی دیگر مراحل رسیدگی را طی کند.

زن و مرد سارق ، با خوراندن داروی بیهوشی، اموال دیگران را می دزدیدند

شیوه انجام داده باشند. بازپرس ویژه جرایم خاص مشهد تصریح کرد: از سوی دیگر نیز کشف مدارک شناسایی افراد مختلف به احتمال ارتکاب جرایم دیگر توسط متهمان پرونده قوت می بخشید بنابراین آن ها با صدور قرار قانونی مناسب در اختیار مأموران کلانتری خواجه ربیع قرار گرفتند و با راهنمایی های قضایی، بررسی های بیشتر توسط ستوان خورشیدی (افسر پرونده) ادامه یافت. قاضی حسینی با اشاره به دیگر اعترافات متهمان پرونده خاطرنشان کرد: بررسی های پلیس تاکنون پرده از دو ماجرای دیگر سرقت با همین شیوه برداشته است. سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد گفت: تحقیقات نشان داد متهمان با همین شیوه در یکی از شهرهای دیگر خراسان رضوی اموالی را بروده اند و در سرقت دیگر نیز با خوراندن داروی بیهوشی به یک راننده مسافربر به اموال او نیز دستبرد زده اند که بررسی های بیشتر در این باره همچنان ادامه دارد.

به پاسازی در ابتدای خیابان میثم در بولوار شهید مفتح بردم و بدون فاکتور به یک پلافروش فروختم! ماموران کلانتری پلافروش مذکور را شناسایی و طلاهای بریده شده را در حالی کشف کردند که پلافروش حدود سه میلیون و پانصد هزار تومان برای خرید طلاهای سرقتی، پول پرداخته بود!

معاون دادستان مشهد روز گذشته با تشریح جزئیاتی از پرونده این سرقت های هولناک : به دنبال گزارش سرقت با شیوه خوراندن داروهای بیهوشی، این احتمال قوت گرفت که ممکن است افرادی هنگام وقوع چنین سرقت های خطرناکی در معرض حوادث ناگوار قرار گرفته باشند، بنابراین پرونده مذکور با صدور دستورات قطع قضایی و به طور ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت.

قاضی «سیدجواد حسینی» افزود: پس از دستگیری متهمان، روند رسیدگی به پرونده با توجه به سوابق یکی از متهمان و کشف کلاه گیس ها، وارد مرحله جدیدی شد چرا که احتمال می رفت آن ها سرقت های دیگری نیز با همین

بخش اجتماعی – درحدود دو هفته قبل فرزند یک زوج پیر، به منزل پدرش در خیابان حر عاملی مشهد رفت اما با دیدن صحنه وحشتناکی، اعضای بدنش به لرزه افتاد. پدر و مادر پیر این جوان بی حرکت کف اتاق قرار داشتند و فاجعه ای تلخ در حال وقوع خوردن بود.

مرد ۳۵ ساله بلافاصله با اورژانس تماس گرفت و خود به یاری پدر و مادرش شتافت. دقایقی بعد در حالی نیروهای امدادی زوج پیر را به مرکز درمانی انتقال دادند که پیرمرد در جدال با مرگ پیروز شد و چشمانش را به روی فرزندش گشود. ساعتی بعد با لو رفتن ماجرای سرقت طلاهای پیرزن، پلیس نیز وارد ماجرا شد و بدین ترتیب سرخ تحقیقات به زن و مردی رسید که چند ساعت قبل از وقوع حادثه، مهمان زوج پیر بودند.

پیرمرد در اظهارات خود به پلیس گفت: حدود سه سال قبل زنی به نام «زح» به همراه همسرش مستاجر ما بود اما با پایان یافتن مدت قرارداد دیگر از آن ها خبری نداشتیم تا این که چند روز قبل برای احوال پرسی به خانه ما آمد.

من و همسرم از دیدن مستاجر چند سال قبل خیلی خوشحال شدیم و از او به گرمی استقبال کردیم اما ماجرا به پایان نرسید و آن زن چند روز بعد دوباره مهمان ما شد. همسرم این بار او را به صرف سوپ دعوت کرد و ما بهترین پذیرایی را از او به عمل آوردیم.

پیرمرد در ادامه اظهاراتش گفت: هنوز ساعتی از این موضوع نگذشته بود که ناگهان سرم به شدت سنگین شد و دیگر چیزی نفهمیدم تا این که پس از گذشت حدود چهار ساعت از این حادثه، فرزندم به منزل آمده و ما را نجات داده بود. در این لحظه تازه فهمیدم که همسرم نیز مانند من بیهوش شده است و طلاها و زیورات او را به سرقت برده اند.

با به دست آمدن سرخ و پیگیری بی وقفه پسر مال باختگان، ردیابی های اطلاعاتی برای شناسایی و دستگیری زن ۳۵ ساله آغاز شد تا این که مخفیگاه زن جوان در یکی از کارگاه های جاده سیمان مشهد شناسایی شد.

با رصدهای اطلاعاتی، مشخص شد که زن مذکور به همراه مرد سابقه دار دیگری در گوشه ای از یک کارگاه زندگی می کنند بنابراین گروه زنده ای از ماموران کلانتری خواجه ربیع مشهد با صدور دستورات قضایی از سوی معاون دادستان وارد عملیات شدند و این زن و مرد را به همراه آلات و ادوات استعمال «شیشه» دستگیر کردند.

در بازرسی از مخفیگاه زندان، مقداری از طلاهای مسروقه به همراه مقداری داروی بیهوشی، گوشی تلفن همراه پیرزن و همچنین تعدادی مدارک شناسایی مربوط به افراد مختلف، دو عدد کلاه گیس و … کشف و ضبط شد.

با انتقال متهمان به کلانتری، تحقیقات و بازجویی از آنان با شیوه های تخصصی و فنی ادامه یافت. زن جوان در اعترافات خود گفت: حدود دو سال قبل شوهرم مرا رها کرد من هم که جا و مکانی نداشتم با «م-الف» (متهم سابقه دار) آشنا شدم. او به تازگی از زندان آزاد شده بود به همین دلیل خانه ای اجاره کرد که من در آن زندگی می کردم ولی وقتی قرارداد یک ساله آن خانه به پایان رسید، دیگر نمی توانست اجاره منزل را پرداخت کند برای همین در اتافی در گوشه کارگاهی در جاده سیمان مشهد ساکن شدیم.

وی درباره چگونگی وقوع سرقت طلاهای صاحبخانه قبلی اش نیز گفت: آن روز وقتی به منزل زوج پیر رفتم، طلاهایش توجهم را جلب کرد و سپس با طرح نقشه «م-الف» تصمیم به سرقت طلاها با داروی بیهوشی گرفتم. آن مرد چندین نوع دارو را با هم مخلوط کرد و من آن ها را در سوپ پیرزن ریختم. وقتی آن ها بیهوش شدند قیچی را از کیفم بیرون آوردم و طلاهایش را که شامل چندین انگو، گردنبند، انگشتر و … بود، بردم. بعد از آن هم زوج پیر را در همان حال رها کردم و به همراه آن مرد از محل گریختم. سپس طلاها را